هو الله - سبحانک اللّهمّ يا الهی و سيّدی و مولائی ترانی…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٢

### هو الله

سبحانک اللّهمّ يا الهی و سيّدی و مولائی ترانی مورداً لکلّ بلاء و هدفاً لکلّ سهام و معرضاً لکلّ سنان ما من يوم الّا و سيوف شاهرة و سهام نافذة ‌متتابعة علی صدر عبدک المسکين بين ‌العالمين. مع ذلک ترانی انشرح صدراً بنفحات قدسک و انجذب قلباً بآيات توحيدک و اقرّ عيناً بمشاهدة‌ انوارک و انتعش روحاً بنسائم تهبّ من حديقة عنايتک و لا التفت‌ الی‌ السّهام و لا اعتنی بالسّنان و لا اهتمّ بشأن من الشّئون بل اتشبّث بذيل الاصطبار و اتدرّع بدروع التّضرّع و الابتهال و اطفأ النّيران الموقدة بيد الأشرار بدموع ساکبة فی اللّيل و النّهار. ربّ ايّدنی علی عبوديتّک بين الأبرار و وفّقنی علی خدمة الأخيار و اجعلنی فدية لعبادک الأحرار. ربّ آنسنی بالطافک و ارحمنی بفضلک و احسانک و احفظنی فی کهف حفظک و حمايتک و اکفنی هجوم الأعدآء فی الجهر و الخفاء و انطقنی بالثّناء بين الأحبّاء و اجعلنی آية الرّحمة بين الوری و حقّقنی بعبوديّة احبّائک فی کلّ الأنحاء. انّک انت الکريم انّک انت العظيم انّک انت الرّحمن الرّحي.

ای ياران با وفای عبدالبهآء کوکب ساطع خطّ استواء از نقطهٔ اعتدال در فصل نوبهار اشراق بر جميع اقطار نمود و به ضيآء و حرارتی شديد برجميع اقاليم فيض جديد و روح شديد مبذول فرموده. ‌از آن ضياء و حرارت جنبش و حرکت در عروق و اعصاب آفاق افتاد. خلق بديع شد و روح جديد دميده گشت جسم افسردهٔ امکان و جسد مردهٔ اکوان جان تازه‌ يافت و به موهبتی بی‌اندازه‌ موفّق شد دور دور بديع گشت و خلق خلق جديد شد و نفخت فيه من روحی تحقّق يافت. عالم امکان تزيين يافت و جهان به طلوع نور مبين روشن گشت در جميع کائنات آثار نشو و نما هويدا گشت و در کافّهٔ موجودات ترقّيات عظيمه آشکار گرديد. اهل انصاف معترفند که قرن تاسع عشر ميلاد عصر انوار بود و فخر اعصار گشت در جميع مراتب وجود علويّت واضح و مشهود گرديد به قسمی که اين يک عصر حکم صد عصر يافت و اين يک قرن از پنجاه قرون آثارش بيشتر گشت. يعنی اگر آثار و صنايع و بدايع پنج هزار سال که عبارت از پنجاه ‌قرن است جمع نمائی البتّه مقابلی به ‌آثار اين يکتا عصر الهی و قرن رحمانی ننمايد مشروعات و اکتشافات پنجاه قرن مقابلی با اکتشافات و مشروعات اين يک قرن نتواند و علوم و صنايع و آثار و بدايع متوازی نگردد.

ملاحظه نمائيد که چگونه آثار اشراق شمس حقيقت در جميع کائنات ظاهر و باهر گرديد . با وجود اين اين خلق نادان يعنی جمهور غافلان هنوز در خواب بی پايان مستغرق ابداً ملتفت نيستند که اين نشو و نما و اين ترقّی بی منتهی منشأش از کجاست و اين بهار الهی از اشراق چه کوکبيست و اين فيض نا متناهی از رشحات چه سحابی. حرکت مشاهده نمايند و لکن محرّک را به خاطر نياورند طراوت و لطافت فصل ربيع رامعترفند و لکن‌ از فيوضات نامتناهيهٔ نوبهار الهی بکلّی غافل غبار را بيابند ولی سوار را نبينند جوار منشآت مشاهده کنند ولی هبوب ارياح را ادراک نکنند گلبانگ معنوی استماع کنند ولی از بلبل معانی بی خبرند امواج بی پايان بينند ولی از بحر بيکران بی خبرند ميوهٔ خوشگوار تناول نمايند و لکن از شجرهٔ ‌اسرار غافلند لمعان زجاج مشاهده نمايند ولی از فيض سراج بی خبرند . باری اميد واريم که بيدار گردند و از اين بادهٔ خوشگوار مست و هوشيار شوند.

ای ياران الهی فی الحقيقه شما سرمست صهبای وفائيد و لشکر منصور ملأ اعلی در جميع آفاق منتشريد و به قوّهٔ ‌نافذهٔ کلمة‌ الله‌ منتصر سبب حيات‌ اهل آفاقيد وسر حلقهٔ زمرهٔ عشّاق دليل راه ‌نجاتيد و قرين ‌آيات بيّنات‌. ای ياران الحمد لله علم توحيد در جميع اقاليم بلند است و آهنگ ملکوت ابهی مرتفع از ملأ اعلی اسرافيل الهی در قلب آفاق نغمهٔ يا بهاء الابهی زند و قوّهء کلمة‌ الله روح حقيقی به جسد امکان بخشد. پس ای ياران وفا بايد کلّ در جانفشانی و خدمت آستان الهی و عبوديّت درگاه حضرت نامتناهی سهيم و شريک عبدالبهآء گرديد.

اگر به اين موهبت کبری موفّق شويد در اندک زمانی آفاق بتمامه اقليم اشراق گردد و دلبر وحدت عالم انسانی در نهايت دلربائی جلوه در قطب امکان نمايد . اين است آرزوی عبدالبهآء اين است منتهی آمال اهل وفا وعليکم‌ البهآء الابهی .

